شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

«شیوه علم‌پیشرو، جمع آوری تجربیات، تجزیه وتحلیل موادتجربی جمع آوری شده ، وبیرون کشیدن رهنمود ها واساسات تئوریک از آنها است .»

شماره هشتم پنجشنبه ۲ جوزا ۱۳۴۷ هـ ۲۳ می ۶۸

پیوند جنبش‌های رنجبران

درچند روز اخیر جنبش های‌توفانزای زحمتکشان وروشنفکران پیشرو پیکر هستی دستگاه حاکمه‌سرد مداران فرهنگ ارتجاعی وهمه دشمنان خلق‌رابه‌لرزه درآورده‌است.

این‌جنبش‌های ظفرنمون همانگونه‌که‌طبقهٔ حاکمه وگروه ها ومحافل ارتجاعی وابسته به‌امپر یالیزم وپیروان مدافعین استعمار نوین را هراسناك ساخته ودرکنارهٔ پرتگاه نابودی قرار داده، درنگاه فرزندان واقعی خلق، عناصر مترقی ومیهن‌پرست سرآغاز یك مرحلهٔ نوین و طلیعهٔ یك‌دوران تازه درکشور ماست‌مرحله‌ای که‌محتوی عمدهٔ آن پیکار های رهایی بخش زحمتکشان وازهم‌گسستن زنجیر های اسارت است ودورانی که‌طلایه داری مبارزات‌آن‌رسالت‌تاریخی پرافتخاررنجبران‌میباشد.

مارش نبرد انگیز رنجبران کرانه‌های شمالی کشور که‌در اثرمداخله دستگاه حاکمه وتوطئه گری دوستان دروغین خلق ازنیمه راه برگردانیده شد، تظاهرات پیگیررنجبران درکابل وگلبهار، اعتصابات ومظاهرات شور انگیز متعلمین مکاتب تخنیك،ادارهٔ عامه،میخانیکی‌وصنایع‌ونرسنگ‌برضد فرهنگ پوسیدهٔملاکی‌ونیمه‌استعماری هریك مظهری است ازرشد وتکامل آگاهی سیاسی زحمتکشان و روشنفکران پیشرو ،مظهری است ازتجلی ارادهٔ مردم ،مظهری است از توفان خشم توده هانسبت به‌نظام فرتوت اقتصادی، اجتماعی کنونی.

اکنون روشنفکران پیشرو و زحمتکشان کشور مابدرستی درك کرده اند که جزباتکیه برنیروی شکست ناپذیر خویش وجز توسل به‌مبارزهٔ قاطع ،همه جانبه وبی امان وجز ازهم‌پاشیدن‌نظام منحط‌اقتصادی اجتماعی فعلی رسیدن به‌پیروزی پنداری است گمراهانه ونا استوار .

اکنون مبارزات رهایی بخش روشنفکران وزحمتکشان دوشادوش هم به‌اوج نوینی رسیده وتأثیرات متقابل آن بیانگر درآمیختن این دو جریان کبیر وشگوفان است.

رنجبران این‌پیشروان انحناناپذیر دگرگونی جهشی روشنفکران پیشرو و«انقلابیون» دروغین را بدرستی از هم باز شناخته اند روشنفکران مترقی به‌این مساله ایمان عمیق پیدا کرده اند که‌هیچ‌جنبش بدون اینکه اهرم رهبری آن‌دردست رنجبران باشد، به‌پیروزی نمی رسد.

همین اکنون که‌رنجبران بسیاری ازکشور های امپریالیستی برای رهایی ازستم‌سرمایه دست‌به‌مبارزات خونین زده وپیروزی هایی بدست آورده اند روشنفکران مترقی در سراسر جهان درآمیختن باتوده هارا یگانه معیار ثبات وپایمردی می‌دانند رنجبران کشور مانیز دانسته اند که باپناه بردن به «خانهٔ مردم»و«تقدیم عریضه» و«صدور قطعنامه »نمی‌توان زنجیر استثمار وبیدادگری طبقاتی را ازهم گسیخت وروشنفکران آگاه وپیشرو افغانستان‌خویشتن راهنگام وهمرزم جدایی ناپذیر رنجبران شمرده وهماهنگ باآنان درمقدم‌ترین‌صفوف جنبش به‌پیش می‌تازند .

این سیلاب پرتوان هرآن نیرو می‌گیرد وسرانجام بنیان نظام اقتصادی ،اجتماعی کنونی را واژگون خواهد کرد.

مظاهرات برضد فرهنگ

ملاکی ونیمه استعماری

در چندروز اخیر متعلمین مکاتب تخنیک‌میخانیکی،ادارهٔعامه ونرسنگ به عنوان اعتراض علیه فرهنگ‌پوسیدهٔ نیمه استعماری و قوانین ومقررات ستمگرانهٔ تعلیمی دست به‌مظاهره می زنند وبه افشای ما هیت ارتجاعی معارف قرون وسطایی می‌پردازند .

به اساس گزارش خبر نگار مامقامات مسئول وزارت معارف‌تاکنون هیچگونه پاسخ مقنعی به مطالبات‌منطقی وبجای این شاگردان نداده . ودرنتیجه روز ۳۱ ثور بعداز آنکه‌عده‌یی از متعلمین مکتب میخانیکی توسط عمال ارتجاع باپشتیبانی‌پولیس شهید وعدهٔ زیادی مجروح گردیدند. شاگردان مکاتب میخانیکی نرسنگ صنایع دارالمعلمین ها اداره عامه باعدهٔازمحصلین پوهنتون باولوله وشور عمیقی درخیابانهای شهر علیه ظلم وفشار بیرحمانه ووحشی گری دستگاه حاکمه فاسد وارتجاعی سخن رانی‌ها کردند و شعارهادادندپولیس باوصف‌مقاومت بی‌حد وحصرخویش‌بالاخره نتوانست در ارادهٔ شکست ناپذیر این جوانان باشهامت ووطن پرست خلل وارد کند وایشان را ازتصمیم‌شان‌بازدارد این مظاهرات که ازساعت ۸ صبح الی شام درخیابانهای‌شهر کابل ادامه داشت دراخیر شاگردان مکاتب در حالیکه ازپشتیبانی عمیق کارگران وسائر توده‌های‌محروم‌مردم‌برخوردار بودند فیصله کردند.

۱ـ تاآخرین لحظه ایکه ارباب اقتدار دربرابر خواسته های معقول شان سر فرود آرند بمظاهرات خود ادامه بدهند.

۲ـ چون پولیس ویك عده عناصر ارتجاعی تشدد وقساوت قلب را از حدگذشتانده که‌موجب شهادت و جراحت‌عدهٔازهمراهان‌مارافراهم‌آورده لذاشاگردان‌این‌مکاتب‌باسائرهمراهان خود خاطرهٔ این‌روز راسالانه مانند روز تاریخی(سوم‌عقرب) تجلیل کنند.

۳ـشاگردان در ضمن سخنرانی های خود ماهیت عمال وآستان‌بوسان ارتجاع‌را مفصلا تشریح کردند و تصمیم گرفتند.ازآنجائیکه این عمال خائن کودی‌های کوکی مبارزه‌اصولی توده‌را بگمراهی می‌برند لذا مبارزه علیه ایشان در درجه نخست اهمیت قرار دارد وما تاآخیر علیه این دار و دسته بهر رنگ وقماشی که ظاهر شوند به‌مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

شعله جاوید که‌همیشه‌ازپیکارهای رزم انگیز توده ها وروشنفکران پیوسته‌به‌توده‌باکمال‌شهامت‌ورسالت تاریخی پشتیبانی کرده است درود گرم برقهرمانان این جنبش ها می فرستد.

اوج نوین مبارزات زحمتکشان

در کشور های امپریالیستی

در هفته که گذشت ، جهان‌امپر یالیستی دستخوش خشم‌بنیا ن کن ، طوفان مبارزات توده های‌ستمکش برضد امپر یالیزم بود . مظا هرات محصلین پیشرو پاریس‌بهفته دوم‌خود وارد شده، وسرانجام بمبا رزات خونین خیا بانی بین‌محصلین وپولیس‌مبدل شد .محصلین پیکار جوی پوهنتون سور بن پاریس‌باشجاعت بی نظیری باوحشگیری های پولیس ار تجاع فرانسه مقابله نموده‌وادرفش های سرخ مبارزه‌را برفراز کاخ پوهنتون سور بن‌پاریس‌بر افراشتند . بدنبال این رویداد ، تمام اتحادیه های کار گری فرانسه‌هم بستگی خودرابا محصلین رزمنده ابراز داشته وبه اعتصا ب بیست‌وچار ساعته در پشتیبانی از ایشان دست زدند ، شب فردای اعتصا ب‌مظا هرات عظیم باشر کت هشت صد هزار نفر کار گر ومحصل درپاریس صورت گرفت ولرزه براندام فرتوت امپریالیزم فرانسه انداخت.به‌تاسی از کار گران ومحصلین پاریس ، موج مظا هرات واعتصابات‌سر تاسر شهر های فرانسه را فرا گرفته ، دراوایل این هفته ،کارگران‌دربیش از یکصد فابریکه در سرتاسر فرانسه‌قدرت‌رابدست‌گرفتند، کارگران‌راه آهن ، پست وتلگراف وکار گران رادیو وتلو یزیون پاریس به‌اعتصاب‌عمومی سر تاسر کشوری دست‌زدند حمل ونقل‌در تمام فرانسه فلج‌شد ،درطول تاریخ ملت فرانسه این‌چنین هم‌بستگی نزدیك وپیکار جو ی‌محصلین و کار گران بینظیر است .

مدافعین استعمار نوین وگدی‌های‌کوکی فرا نسوی شان میخوا ستند از شدت وخصم افگنی این پیکارعظیم به‌اشکال مختلف جلو گیرند ، ولی سیل خرو شان مبارزه این‌خس‌وخا شاك های ناچیز را بسرعت‌بدور افگند پولیس فرا نسه نیز همنوائی‌وپیوند خودرا بامظاهره چیان ابراز داشته است.

پابپای مبا رزات محصلین فرانسه‌محصلین اسپا نیا ، در مادرید دست بمظا هرات عظیمی زدند ، درزدوخورد های که‌میان محصلین وپولیس ارتجاع اسپا نیا رویداد ، عده زیادمحصلین زخمی شدند .

در همین هفته محصلین ایتالیا،در شهر روم مظاهرات بزرگی برضد نظام فرتوت‌امپریالیستی برپاداشتندکه آنهم بزدو خورد های محصلین وپولیس ار تجاعی ایتا لیا انجامید .

هم چنان‌در همین‌هفته ، محصلین‌پیشرو درپیرو (امریکای‌لاتین) ضمن پیکار باپولیس وعسکر ارتجاعی‌دوپل‌رامنفجر کردند، درجریان‌این‌مبارزات یك محصل کشته‌ودو نفر دیگرزخمی‌شدند .

«شعله جاوید» ندا خلق ستمکش‌افغا نستان پشتیبانی رزمنده روشنفکران مترقی ، کار گران آگاه‌وتمام خلق ستمکش افغان را از مبارزات دلیرانه همر زمان فرانسوی‌ایتا لیایی ، اسپا نیایی وپیرویی‌خود اعلام داشته ، وموج کنونی مبارزات‌محصلین، کارگران و خلق ستمکش افغا نستان را پاسخ ونداي عملی‌همدردی وپشتیبانی قاطع ازهمرزمان فرانسوی، ایتا لیا ئی، اسپا نیایی‌وپیرویی مان می شمارد .

سیمای راه رشد غیر سرمایه‌داری در کشورهای عربی

داکتر هادی محمودی

سازشکاران معاصر، این دوستان دروغین خلق، راه رشد به اصطلاح «غیر سرمایه داری» را آنچنانکه در کشورهای عربی سوریه، جمهوریت عربی متحد، الجزایر و عراق تحقق یافته، چون نمونه برجسته و سرمشقی برای سایر کشورهای آسیائی، افریقائی و امریکای لاتین، پیش می کشند. ولی آیا واقعا کشورهای مذکور «غیر سرمایه داری» اند؟

جنبش نجات بخش ملی ضد استعماری پس از جنگ جهانی دوم باسرعت چون آذرخش جهان عربی را فرا گرفت. خلق سوریه درسال ۱۹٤۶، خلق مصر در سال ۱۹۵۲، خلق عراق درسال ۱۹۵۸ و خلق الجزایر درسال ۱۹۶۲ یکی پس از دیگری زنجیر های استعمار کهنه و حامیان داخلی آنرا از هم گسستند. جنبش ضداستعماری وآزادی بخش خلق های نامبرده همه دارای یك خصلت مشترك اند و آن اینکه تحت رهبری طبقه متوسط و یا قشر فوقانی آن به پیروزی رسید. بطور نمونه الجزایر را در نظر گیریم. خلق الجزایر دراکتوبر سال۱۹٥٤ درفش پیکار مسلحانه ملی ضد استعماری‌را بر افراشت. پیشروان الجزایری یعنی نمایندگان منافع رنجبران الجزایر، در آنوقت در اثر نفوذ اندیشه های زهر آگین سازشکاری معاصر در صفوف شان نتوانستند در مقدم ترین صف پیکار مسلحانه ملی قرار گیرند (آنچنانکه امروز در ویتنام، پیش آهنگ رنجبران، رهبری مبارزات مسلحانه ملی ضد امپریالیست های امریکائی را بدوش دارد) حتی برخی از آنها پافراتر نهاده نغمه مخالفت سر دادند ولی از آنجائیکه روند تاریخ سد ناپذیر بوده وارادهٔ پیکار جوی بپا خاسته را نمیتوان با حرافی های پوچ و میان تهی بدور افگند، خلق قهرمان الجزایر به‌پند واندرز های این «ناصحان نا بکار» گوش نداده، بااراده‌ٔ راسخ براه مبارزه مسلحانه ملی ضد استعماری گام نهادند. بدین ترتیب مبارزان ملی طبقهٔ متوسط رهبری مبارزه مسلحانه‌ملی ضد استعماری را بکف گرفتند و به همین علت از اعتماد بحق‌خلق‌الجزایر برخوردار شدند، تا آنکه پس ازهفت سال و نیم مبارزهٔ مسلحانه، امپریالیزم فرانسه بزانو در آمده والجزایر آزاد را برسمیت‌شناخت.

پس از بیرون راندن استعمار گران، دولت های ملی برهبری‌طبقه متوسط درین کشورها تشکیل شد طبقه متوسط حاکمه درین ممالك از آنجائیکه در آتش پیکار های مسلحانه ضد استعماری رشد یافته بودند، پس از بقدرت رسیدن نیز خاصیت ضد استعماری خود را بدرجات گوناگون حفظ نمودند، ولی از سوی دیگر بعلت آنکه ماهیت و سرشت طبقاتی آنها رنجبری‌نیست مخصوصا نتوانستند مبارزات‌ضد امپریالیستی خارجی خود را بامبارزات ضد ملاکی در داخل کشور به نحو پیگیر تلفیق بخشند، تردد، سستی و تزلزل آنها در برخورد باملاکین واز میان بر داشتن‌سیستم ملاکی گواه بر این مطلب است. مثلا اصلاحات ارضی که از سال۱۹۶۱ تا۱۹۶۳ در جمهوریت عربی متحد صورت گرفت، مالکیت زمین را به یکصد فدان (هر فدان تقریبا ۰ر٤۲ هکتار یا سه جریب است) محدود ساخت. بخشی از زمین های مصادره شده بین فلاح ها (دهقانان بی‌زمین مصری) توزیع شد. ولی باآن هم این اصلاحات نتوانست در سیستم ملاکی زمین تغییر اساسی ایجاد نماید. ملاکین هنوز هم عمده ترین تولید کنندهٔ گندم بوده وفروش غله در کنترول آنهاست. فلاح ها که قطعه کوچکی زمین در اختیار دارند اکثراً قادر نیستند غذای خانواده خود را برابر نمایند تا چه رسد به آنکه گندم برای فروش در اختیار داشته باشند. فعال مایشائی فئودال ها در روستا باسر سختی ادامه دارد، ترور و قتل رهبران دهاقین بدست فئودال ها امر عادی است بر اساس سنجش های که بعمل آمده حتی با استفاده از سد اسوان نیز جمهوریت متحد عربی نمیتواند باوضع موجود مالکیت احتیاجات غذائی خودرا بر آورده سازد. در الجزایر ملی کردن زمین هایی که سابقاً در دست فرانسوی ها بود، مجموعاسه‌ملیون‌هکتار زمین دراختیار دولت گذاشت که در آن ها قریب یکصدو پنجاه هزار کارگر زراعتی مصروف کار بوده و بصورت فارم های دولتی در آورده شده اند. ولی اکثریت قاطع دهقانان در مناطق کوهستانی جنوبی بسر می برند که بطور مجموعی ۶ر٤ ملیون هکتارزمین مزروعی را در بر می گیرد در ینجا ۲۳۰۰۰ زمین دار وجود دارد که هریك بطور متوسط یکصد هکتار (تقریباً ۶۰۰جریب) زمین در اختیار دارند، آنها زمین خود را با نرخ سنگین (تاچار، پنجم‌محصول) بدهقانان فقیر اجاره می دهند. در آخر سال ۱۹۶۵ حکومت‌الجزایر لایحه‌اصلاحات ارضی جدیدی اعلام کرد که بایستی در سال ۱۹۶۶ اجرا میشد، ولی هنوز جزئیات این لایحه معلوم‌نیست. در عراق ۱۵ فیصد زمینداران، ۳ر۳ ملیون «دونوم» (یك «دونوم» ۲۵ر۰ هکتار است) زمین دارند. تااپریل سال ۱۹۶۵ محض۵۲۵۰۰۰ هکتار یا کمی بیش از یك ششم زمین‌هایی که‌قانون اصلاحات ارضی سال ۱۹۵۸ (سالی که انقلاب خلق عراق به پیروزی رسید) پیش بینی میکرد، بین دهقانان تقسیم شده بود. دولت عراق در زیر فشار فئودال ها عقب نشینی میکند مثلا مدت پرداخت غرامت زمین های مصادره شده بملاکین سابق از ۶۰ سال به ۲۰ سال تقلیل یافته و سود سالیانه که دهقانان از بابت قیمت املاك به ملاکین می پردازند از ۵ر۱ فیصد به ۲ فیصد افزایش یافته است. در سوریه با وجود تطبیق یك لایحه اصلاحات ارضی، هم اکنون ملاکین بزرگ و شیخ های بدوی صاحب اراضی وسیع و رمه های بزرگ در مناطق شمال کشور موجود است.

بدینسان اصلاحات ارضی درهمه این کشور ها نه عمیق است ونه پیگیر، طبقه ملاکین نه تنها از میان نرفته اند، بلکه بجای آن، این اصلاحات نیم بند و غیر کافی، رباخواری و گسترش انواع مختلف روابط بورژوازی را در روستاتقویت بخشیده وبدین ترتیب دسته بندی طبقاتی دهقانان را در دهات مجددا تسریع نموده است. علم پیشرو بما می اموزد مسئله ارضی بنفع دهقانان فقط میتواند پس از آنکه رنجبران قدرت سیاسی را بکف گیرند واقعاً حل شود نه بوسیله طبقه متوسط، تجربه کشور های عربی این آموزش را تائید میکند. اصلاحات ارضی که بدست طبقه متوسط انجام گیرد، اصلاحات ارضی بورژوائی است، نه‌اصلاحات ارضی «غیر سرمایه داری»، سازشکاران معاصرهنگامیکه باوجود این واقعیات سرسخت‌حرف از «راه رشد غیر سرمایه داری» کشور ها می زنند، فقط میتوانند ماهیت بورژوائی خود را که در پشت پرده های عوام فریبانهٔ «پیشروی» پنهان ساخته اند، برهمگان برملا سازند.

طبقه متوسط حاکمه‌درین کشورها درسالهای نخستین پس از کسب قدرت، موسسات و دارائی های امپریالیست ها را ملی ساختند. بدنبال آن از یکسو به استقراض خارجی دست زدند واز سوی‌دیگر دامنهٔ «ملی ساختن» را گسترش داده معادن، صنایع، حمل ونقل، تجارت خارجی وداخلی، شرکت ها و موسسات بیمه را بتدریج تحت کنترول دولت در آوردند. حتی در برخی ازین کشور ها موسسات و شرکت های مربوط به خرده بورژوازی و تجارت خرده پای‌داخلی نیز مشمول قانون «ملی کردن»گردید مثلا از سال ۱۹۶۱ ببعد یك سلسله قوانین ملی کردن در جمهوریت‌متحد عربی روی کار آمد که در اثر آن شرکت ها و کارخانه های متعلق به بورژوازی متوسط حمل و نقل و سیستم مالی دولتی اعلام گردید. امروز تقریباً تمام تجارت خارجی و ۹۰ فیصد تولیدات صنعتی درین کشور دولتی میباشد. در سوریه یك سلسله قوانین در سال ۱۹۶۵ تقریبا تمام موسسات مهم صنعتی تجارت داخلی، منابع نفت، و سایر معدنیات را «ملی» اعلام نمود. در الجزایر در سال ۱۹۶۶ تمام منابع معدنی دولتی اعلام شد. بدین ترتیب اقتصاد دولتی اینکشور ها که بنام سکتور دولتی یاد میشود دارای دو سر چشمه است، یکی استقراض خارجی که بطور عمده از جانب مدافعین استعمار نوین تهیه میگردد ودیگری تمرکز سرمایه های داخلی بوسیله اقدامات دولتی بدست دولت وورشکست ساختن طبقات متوسط. مدافعین استعمار نوین ادعا می کنند که تقویت اقتصاد دولتی اینکشور ها پایه های مادی و فنی مرحلهٔ «هدف غائی» را ایجاد مینماید. ولی این ادعا بمعنی نفی آشکار علم پیشرو است. رهبر کبیر بین المللی سوم می گوید: «اختلاف میان دگرگونی غائی و دگرگونی بورژوائی دقیقا دراین حقیقت نهفته است که پیش از دگرگونی بورژوازی قبلا در جامعه روابط سرمایه‌داری بصورت آماده موجود است، در حالیکه دگرگونی غائی، اینگونه روابط قبلا ساخته شده و آمادهٔ را بارث نمی برد...»، یعنی مهمترین تفاوت میان دیگرگونی های که بدست طبقات بهره‌کش‌انجام می‌یابد ودگرگونی های که بدست رنجبران صورت می گیرد اینست که پیش از آنکه قدرت بدست‌سه طبقه بهره کش یعنی برده داران، ملاکین و بورژوازی بیفتد، روابط تولیدی بردگی، ملاکی و سرمایه داری در جامعه وجود داشته و در برخی حالات بدرجه نسبتاً عالی تر تکامل خود نیز می رسد. ولی پیش ازانکه رنجبران قدرت را بکف گیرند.روابط تولیدی سوسیالیستی در جامعه نمی تواند وجود داشته باشد. علت این امر نیز واضح است یك شکل نوین مالکیت خصوصی میتواند بصورت خود بخودی برپایه شکل قدیم تر آن‌رشد یابد، در حالیکه مالکیت دسته جمعی سوسیالیستی وسایل تولید، هیچگاه نمیتواند بصورت خود بخودی و برپایه‌مالکیت خصوصی سرمایه داری ازراه به اصطلاح «سکتور دولتی اقتصاد» یك دولت بورژوازی بوجود آید. اگر از منطق مدافعین استعمار نوین پیروی گردد، ناچار یکی از دوحالت زیرین را باید پذیرفت: یااینکه‌دولت های اینکشورهاخودنمایندهٔ‌رنجبران اند واقتصاد دولتی‌آن، اقتصاد دولتی سوسیالیستی است. اما چگونه میتوان دولت های را که فرزندان حقیقی و فداکار خلق را بکشتارگاه برده و دست شان بخون آن ها رنگین باشد، نمایندهٔ رنجبران شمرد؟ ویااینکه اگر دولت های اینکشور ها نمایندهٔ رنجبران

(درص۳)

مبرهن است تا وقتی نیرو های پیشرو و مترقی که عشق عمیق انقلابی به توده ها و دیگر گونی بنیادی محیط تنافت آلوده فرتوت و گندیده دارند، با توده های وسیع مردم نیامیزند و متحد نشوند صفوف متشکل و محکم و فشرده و غیرقابل نفوذ برای عناصر ناباب و پر اذیت و طفیلیان دست پرورده آنان که از مرداب متعفن خیانت به توده تغذیه می کنند و اندیشهٔ زهر آگین و مسموم کنندهٔ را با فضل فروشی و خود نمایی نشخوار می نمایند، تشکیل نده‌ند. امید به پیروزی و ایمان به هدف، مشعل فروزان و رهنمای راه شان نباشد و در پرتو آن خم و پیچ کوهپایه ها و دشت های کشنده را که به آن مواجه میشوند نشناسند. امر نیل به رهایی رنجبران از قید اسارت مشکل است.

اما سوال اساسی درینجا ست که در جریان این جنبش با کدام نیرو های سیاسی تحت کدام شرایط و تا چه حدی می توان متحد شد؟ آیا با مارکه خوش خط و خال است و فش فش و نفیر مردم و وطن پرستی اش را بلند می کند؟ یا با کسانیکه در عمل صدیق و فداکار بودن خود را به اثبات رسانیده و میرسانند. تاریخ روش و مشی شانرا تائید نموده و اندیشهٔ پیشرو و اصول راستین رهنمای درخشان و ظفر نمون مبارزات پیگیر و انقلابی شان است؟

سیمای راه رشد غیر...

نیستند، آنگاه مسلم است اقتصاد دولتی آن ها نیز اقتصاد دولتی بورژوائی یعنی سرمایه داری دولتی است و لو آنکه و ام دهندهٔ آن مدافعین استعمار نوین باشند. پیش کشیدن راه رشد غیر سرمایه داری بمعنی پشتیبانی از بورژوازی دولتی در برابر رنجبران اینکشورها و بمعنی رویاندن خود بخودی و آرام سوسیالزم از بطن سرمایه داری است.

بنا بر آن، سکوت در بارهٔ ماهیت رهبری جنبش ضد استعماری کشور های عربی در گذشته، نادیده گرفتن ناپی گیری برخورد دولت های اینکشور ها باسیستم ملاکی و تعریف و پشتیبانی از اقتصاد سرمایه داری دولتی زیر پردهٔ به اصطلاح «ایجاد پایه های مادی و فنی هدف غائی» اینست شیوهٔ برخورد مطرح سازندگان راه رشد غیر سرمایه داری یا رشد سرمایه داری دولتی در کشورهای عربی. بنیادگذاران علم پیشرو در توصیف سوسیالیزم بورژوازی می گفتند که شعار این سوسیالیزم اینست:

سرمایه داری، سرمایه داری است بسود طبقه کارگر! اکنون مدافعین استعمار نوین می گویند: ما سرمایه داری دولتی میسازیم بسود طبقه کارگر!

نقض وحدت در پس پرده فریادهای وحدت طلبی

از: لهیب

عناصر منحط و جریان هاییکه به راه رهایی توده ها به قدرت خلاقه واید یا لوژی مترقی شان ایمان ندارند و یا اینکه میدانند آنچه را که پیش کشیده اند نادرست ضد مردمی و به نفع ارتجاع است. و از ترس اینکه در راه به اصطلاح مبارزات شان بخاطر رنجهای بیکران خلق های ستمدیده افغانستان تنها بمانند و توده ها نفرین شان نموده و بدنبال اید یالوژی مزورانه و هلاکت بار و ارتجاعی شان و براه ننگین که در آن صرف منافع ارتجاع، امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین مضمر است بی باور و ربمانند و پرچم سیاهی را که بنام خلق بر ضد خلق می خواهند بلند نگه دارند، بی پشتیبان نمانند همیشه داد وحدت میزنند.

اما به اینان باید گفت: شما درین راه تنها نخواهید بود، زیرا آنچه شما می خواهید آرزوی تمام مرتجعین و آبستان بوسان صدیق و فادار آن است. از پشتیبانی اربابان صاحب قدرت تان بر خوردار خواهید بود زیرا همیشه و در هر جا جریان های سیاه و ضد منافع مردم از طرف نیرو هاییکه نفع شان در سرکوب جنبش توده هاست، همه جانبه طرفداری شده است. زیرا شما عروسکهای مومی بیش نیستند که با انگشتان حیله گرانه آنها شکل می گیرید و بساز ایشان می رقصید. اما زیاد هم دلخوش نباشید زیرا شما هم از پشتیبانی عمیق تودهٔ مردم محروم مانده با دشمنان خلق یکجا در زباله دان تاریخ که شایسته ترین جایگاه تان است سرنگون خواهید شد.

توده همیش گفتار را به عمل پیشرو می سنجد، زیرا بهترین محک شناخت و آزمایش عمل است و بس.

کسانیکه واقعاً آرزومند آنند که بخلق خدمت کنند، آنانکه بر حقانیت و استواری گفتار و کردار خود ایمان ژرف دارند، عقیدهٔ خلل ناپذیر به دگرگونی عمیق و جهشی اجتماعی دارند هرگز نمی هراسند که تنها خواهند ماند. زیرا مردم باقضاوت و دید آگاهانه اش همیشه و در هرجا دیر یازود بالاخره باوجود صد ها موانعیکه ارتجاع و سگهای زنجیرش باطرق مختلفی درزمینه های اقتصادی سیاسی، ایدیالوژیکی باروی کار نمودن منحط ترین نظرات لجن آلوده و پوسیده به سر راه شان گذاشته سرانجام دوست واقعی خود را شناخته اند و تئوری پیشرو و ترقی در توده ها نفوذ میکند و در پرتو طلیعهٔ مشعشع اصول علمی و توده ای بمبارزه بر ضد آنان قیام نموده اند؛ زیرا: هرگز لکهٔ ابر نمی توانند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظه‌ای پرتو مستقیم خورشید بهمه گرمی خواهد بخشید.

پیشوای کبیر جنبش مترقی گفت: «وحدت- امر بزرگ و شعار کبیر است! امر طبقهٔ رنجبر به وحدت عناصر پیشرو نیاز دارد نه به وحدت آنان با دشمنان و تحریف کنندگان آن.» و اما «بدون قطع پیوند با سازشکاری بدون تشریح ناگزیری شکست آن برای توده‌های مردم وظایف ایده مترقی را نمی‌توان انجام داد و تحقق، پیوستگی واقعی بین المللی رنجبران غیر ممکن خواهد بود.»

این گفتار دامیانهٔ در حکم تیری است که برمردمک چشم سازشکاران می نشینند.

پس نمی شود با هرسازشکاری که درآخرین تحلیل مرتجع است متحد شد بلکه وظیفه امروز روشنفکران ازین جهت سنگین و دشوار است که باید بادیدی آگاه مرزی دقیق بین دوستان و دشمنان دوست نمای خلق، میان آنچه اصول است و آنچه غیر اصول است ترسیم نمایند.

«ما کاملا بر روی تئوری پیشرو میایستیم، برای اینکه تنها این تئوری است که می‌توانند کلیه عناصر مترقی را متحد سازد.»

اما ببینیم چه کسانی واقعاً تفرقه افگنان و خاین به اتحاد نیرو های پیشرو اند ایشان چه خصوصیات می توانند داشته باشند؟ هر کس که علیه اندیشه پیشرو برخاسته راه ارتداد میجوید و پایهٔ پیوستگی رنجبران را تخریب می نماید تفرقه افگن بشمار می آید. هر کسیکه خط مشی تجدید نظر طلبانه را مصرانه دنبال می کند و جریان پیش رونده را به جریان رفورمیستی ارتجاعی تبدیل می کند تفرقه افگن محسوب میشود. هر کس که برنامه و خط مشی مغایر باراده انقلابی و منافع اصلی رنجبران و زحمتکشان را اعمال میدارد تفرقه افگن بشمار میرود». کسانیکه با نعره های پی در پی اتحاد گلوی خود را می درند و درعمل وحدت عناصر مترقی و توده را نقض میکنند تفرقه افگنان اند.

«مرتجعین بطور تغییر ناپذیر سیاست تفرقه افکنی بین رنجبران را اعمال داشته به کین توزانه ترین شیوه ها یعنی تطمیع پرورش و تربیت نوکران خود در صفوف آنان متوسل میشود. تجدید نظر طلبان و سازشکاران همان نوکران ارتجاع هستند. سعی و کوشش آنها بخاطر اتحاد رنجبران جهت مبارزه علیه ارتجاع، امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین نیست بلکه سعی و کوشش آنها بمنظور همکاری رنجبران با ارتجاع است. تجدید نظر طلبان و سازشکاران کسانیکه فریاد همبستگی شان فضا را آلوده ساخته- شریر ترین تفرقه افگنان اند.»

«درجریان جنبش پیشرو پیدایش سازشکاریهای رنگارنگ ناگزیر است فعالیت‌های تفرقه افگنانه سازشکاران علیه عناصر مترقی اجتناب ناپذیر است. و این طبعاً موجب آن می گردد که مبارزهٔ پیشروان علیه سازشکاران و تفرقه افگنان بعمل آید.»

«ارتجاع، امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین ازمیان نخواهد رفت مگر آنکه آنها سرنگون سازند.» سازشکاران که توسط ایشان پرورش یافته اند نیز خود بخود از بین نخواهند رفت مگر که آنها را منهدم سازند و ازبین برند. بدین جهت نه تنها با این عناصر نااستوار و منحط متحد نشد بلکه باید مبارزه بی امان را علیه سازشکاران بعمل آورد.»

درست بخاطر اتحاد توده هاست که باید قطع پیوند با سازشکاران بعمل آمده و ایشان و ایدیالوژی و مشی منحط شان را باید رسوا و افشا ساخت اتحاد- مبارزه یا حتی پراگندگی - اتحاد نوین بر پایه جدید این است منطق جنبش کارگری بین المللی.

زموږ اوسنی اقتصاد چه دولتی

سکتور په نامه یادیږی -۳-

داټول عوامل ددی سبب گرځیدلی چه: دکلیوالو بیکارانو موج ښارونه کښی را ښکته شی له یوی خوا ورځ په ورځ دا متشکل صف مخ په زیاتیدو دی اوله بلی خوا دتولیداتو کموالی په وجه دانفلاسیون او دنرخونو دجگوالی سبب شوی او دمادی نعمتونو داصلی مولدینو د آلام او رنځونو موجب گرځیدلی دی.

دادی زموږ اوسنی اقتصادی حالت. اوس نوکولای شو چه ددریم پنځه کلن پلان تك لار هم په لاندی توگه وڅیړو: په دریم پنځه کلن پلان کی دخارجی سرمایه گذاری برخه ډیره شوی ده یعنی له مجموعی سرمایه گذاری په سلوکی ۴۷ چه داپیسی له ټول مجموعی سرمایه گذاری څخه یعنی «۴۹ ملیاردافغانی» ددوهم پلان نه هم ډیر شوی دی.

دخارجی استهلاکی موادو مرستی هم زیات شوی دی «ددوهم پلان نه په سلو کی څلویښت» خصوصی سرمایه گذاری دخوراکی، استهلاکی او تعمیراتی خانگو کی بیول شوی دسرمایه گذاری حجم او دروندوالی معدن او صنایع نه کرهنی ته اړولی شوی دی. نوربیا

کارگران قهر مان فابریکهٔ جنگلك پس ازچندروزاعتصاب بروزپنجشنبه(۲٦ثور) دست به مظاهره زدند.

آنان باوجود دشواریها واخلال هایی که از جانب کارفرمایان و دستگاه‌حاکمه بر سر راه آنان قرار داده میشد، صفوف ژاندارم و پولیس‌را از هم شکستند وبسوی شهر حرکت‌کردند. خبر نگار ما گزارش‌مید هدکه در جریان این حادثه چند تن ازکارگران زخم بر داشتند.

روشنفکران مترقی که آمیختن باتوده هارایگانه‌مقیاس و معیارارزیابی‌شخصیت هر روشنفکر میدانند نیزباآنان پیوستند.

شعارها وسخنرانی های آتشزای‌رنجبران که نشاندهنده رنجهای‌روان‌سوز وبی پایان آنانست در افشای‌طبقهٔ حاکمه وبر نا مه های اصلاحی درو غین آن وشناسانیدن سیما ی‌دشمنان واقعی ودوستان حقیقی‌خلق‌بر اذهان زحمتکشان تاثیر گرانقدری‌به جاگذاشته است.

این تظاهرات عظیم وشکوهمند تا ،حوالی‌ساعت‌شش‌آنروزادامه‌داشت کارگران آگاه وپیشرو فابر یکهٔ‌جنگلك در اثر این تظاهرات خو یش پیروزی هایی بدست آورده اند ولی‌تامین این مطالبات‌تنها بخش ناچیزی از خواسته های رنجبران است.

خاطر آگنده از رنج وخشم آنان‌تارسیدن به پیروزی‌فرجا مین آرا مش نخواهد پذیرفت وازپیکار دست نخواهند کشید.

سر نوشت یك پیر مرد کارگر

بابه علی محمد پیر مردی که‌ریش خود را در عقب کارگاه کارگاه نسا جی پل خمری سفید کرده واینك که دیگر چشمانش نیزقدرت بینش خودرا از دست داده‌است‌ازکار بر کنارگردید.

بابه علی محمد به خبر نکار ماگفت: که در اغاز تاسیس نساجی پلخمری با مافراد داد کرده بودند که بعد از پانزده سال کار در شرکت خانه‌ای که به ایشان داده شده متعلق بخود شان‌خوا هدبود ولی اینك بعد از۲۲ سال نه تنها مراازکار برکنارکرده‌اند بلکه از خانه نیز بیرونم افکنده اند. در حالیکه من به جز یك دختر خورد سال هیچکس دیگر ندادم وآندخترك هم نمی تواند نان‌آور من باشدودرین روزگار از من دستگیری کند.

بابه علی محمد اشکریز به خبرنگار ما گفت: اینست سر نوشت من بعد ازبیست ودو سال کار، یقین دارم‌که سر نوشت سایر کارگران هم چندان بهتر از من‌نیست‌واین‌ظلم‌کار فرمایان دامن ایشان رانیز گرفتنی است.

به جریده شعله جاوید:

از آنجائیکه جریده شعله جاوید راه مبارزه پیگیر ورها یبخش توده های ستمکش افغا نستان را مورد تحلیل وتجزیه علمی قرار میدهد، وبرای بلند بردن سطح آکاهی‌سیاسی اجتماعی ورهایی از ظلم وستم امپر یالیزم ، مرتجعین ومدافعین استعمار نوین بصورت علمی وعملی برای مردم (زن ومرد) افغا نستان خدمت میکند ومن هم‌به حیث یکی‌از رنجدید گان‌ظلم‌واستبداد برای‌رهایی خود وهمو طنان خود راهی را که شعله جاوید نشان داده است در پیش گیرم‌پیروزخواهم شد، برای‌این منظور شعله جاویدرا مطالعه می‌کنم. جریده‌شعله‌جاویدفناناپذیراست.

خواهر همرزم شما (آذر چهر)

شعله جاوید:

دوشیزه محترمه عقیده شما قابل ستایش است .اینکه زحمت یك‌ماه پیاده روی(خانه‌ومکتب) را بخودگرفته وپول کرایه ودیگر مصارف خودرا جمع کرده وبه شعله جاوید طوراعانه پرداخته اید عملی‌است فدا کارانه و قابل تمجید.

یك تذکر:

شعله جاوید ازیك عده متعلمین مبارز وپیشرو لیسه حبیبیه که هر گونه پشتیبانی خودرا ازجریدهٔ‌خود شان«شعله‌جاوید» کتباً ابرازداشته‌اند تشکر می‌نماید.

خبر نگار ما از پوهنتون کابل گزارش مید هد که چندی‌پیش‌گروهی **ازعناصرمعلوم‌الحال وابسته‌بدستگاه** حاکمه در ساحهٔ پوهنتون‌میخواستند میتنگ ارتجاعی علیه شعلهٔ‌جاوید بر پا کنند ولی محصلان آگاه وبا بصیرت پوهنتون نگذ اشتند توطئه ریزه خواران خوان دولت به‌پیروزی برسد و به ا فشا ما هیت **آنان ودار ودسته آنان پرداختند وبا** ارائه شواهد وبراهین منطقی نقاب‌از سیمای این دوستان دروغین خلق بر داشتند.

همچنان چندروز پیش یکی از فروشندگان شعلهٔ جاوید در ساحهٔ **پوهنتون مورد ضرب وشتم یکی از عناصر معلوم الحال یاد شده قرار گرفته است.**

شعله جاویدازین تلاشهای مذبوحانه وحرکات ضد انسانی هراسی ندارد وبا ایمان خلل ناپذیر واراده آ هنین راهی راکه در پیش روودارد خوا هد پیمود.

• • •

نا مهٔ رنجبران

کارکنان جریده شعله جا وید

ماکارگران‌ورکشاپ‌شرکت‌سرویس‌از آنجاکه جریدهٔ شعلهٔ‌جاوید را یگانه ممثل اندیشه ها وانعکاس دهندهٔ‌آمال خویش میدانیم اینك بدین وسیله خواسته های خویش را به شما می فرستیم تا آنرادرشعلهٔ جاویدمنعکس سازید:

۱ـ از رهگذر نداشتن کو پون به دشواریهای زیادمواجه هستیم.

۲ـ بیمه صحی ودکتو ر موظف نداریم. شاید در تصورکار فر مایان بیدادگر نگنجد که.ما کار گران به بیماری گوناگونی مصاب هستیم‌واین کارتوانفرساکه بر ما تحمیل شده کاهندهٔ زندگی وشکنجه کنندهٔ روح ماست.

۳ـ مبلغی که‌به‌نام ذخیره ازمعاش ناچیز ما وضع‌میشودبه خزانهٔ‌شرکت وبه سود آن نگاه میگردد.

٤ـ بعد از ظهر پنجشنبه برای ازالهٔ خستگی های ناشی از کارطاقت فر سای یکهفتهٔ باید رخصت باشیم.

٥ـ افزودی‌معاش‌یکی ازخواستهای عمدهٔ ماست چه بابلند رفتن قیمت‌ها بصورت سر شام آور، معاش کنو نی ابتدایی ترین حوایج ونیازمندی های مارابرآورده ساخته نمی تواند.

٦ـ این روش جابرانه که درا‌ثر شکستن یك سا مان ده چند تاوان از گران گرفته میشود باید ملغی داده شود.

اسد

همزیستی مسالمت آمیز یا نفی مبارزات آزادیبخش خلقها علیه

امپر یالیسم و استعمار

تحمیل جنگهای اجباری وخانما ن سوز جهانی دول امپریالیستی‌بالای ملل محروم وستمدیده. نفع بر داری استعمار گران وعمال سیاه از خو ن وعرق محنت‌کشان وچپاول ثروتهای هنگفت طبیعی (مواد خام ونیم خام) از سر زمین های آسیا، افریقا و آمریکای لاتین یعنی مراکز گره‌تضاد های جهانی، خلقهای ستمکش ا ین نواحی را بر آن وا داشت تا صـف عظیمی را در برابر امپر یالیزم این دشمن درجه‌یك خلقهاتشکیل‌وجنبش آزاد یخواهی را وسیع ونیر و مندتر سازند.

پس از ختم جنگ جهانی دو م ، مارش ظفرنمون ونهضت‌رهائیبخش خلقها با تضاد ها ی د رو نی دول امپریالیستی کاخ پوشیدهٔ استعمار را بلرزه در آوردوسرانجام استعمار را در بسیاری از کشور ها سرنکون ودر برخی دیگراز کشورها درمعرض اضمحلال وانهدام قرار داد.

استعمار گران با وجود تلاشهای زیاد بهیچوجه قادر نیستند آ تش پر دامنهٔ آزادیخواهی را خا مو ش سازند. اکنون مدافعین استعمارنوین نقاب خلق. پرستی را برخ کشید ه ودر نظر (بخاطر رنج های بیکرا ن خلق) در ساحهٔ عمل علی الر غـم منافع طبقاتی اربابان خود ا ند یشه های زهر آگین واندیشه‌های سرمایه داری رادر صفوف رنجبران وطبقات محروم پخش کرده ومیخواهند بـا شعار دادن باصطلاح (همز یستی مسالمت آمیز واستراتژی صلح.) مبا ر زا ت آ شتی نا پـذ یر خلق ها را با د شـمنا ن طبقاتی شان منکوب سازند. به‌نظر اینها پیروزی دگرگونیها ی جهشی بطور عمده نه‌در نتیجهٔ‌اتکابه‌مبارزات ودگرگونی توده نی بد ست می‌آید ونه‌اینکه خود توده های مردم خو د را آزاد میسازند، بلکـه خلقهـای ستمدیده درجریان‌همزیستی مسالمت آمیز منتظر آن روزی باشند که عمال سیاه بسر رحم‌آمده‌آزادی‌دیموکراتیك واقعی را برضای خود بخلق قا یل **شوند واز دولت‌که خود حافظ منافع** یك طبقه وآلتی برای سر کوب‌طبقه دیگر است میخواهند که:« بمقامات سیاسی وارباب برسر اقتدار کشور مربوط است که بصورت مسا لمت آمیز بکذارند نیرو های وطن‌پرست وملی ودیمو کراتیك خـلـق ر شد طبیعی وقانونی ...خود راطی‌کنند.»

اکنون از مرتجعین وطنی ایـن کدیهای کوکی وعمال ارتجاع‌که خود متوجه کفتار خود نیستند می پرسیم با درك اینکه :«محافل‌حاکمه ارتجاعی وقتیکه منافع طبقاتی شان را درخطر دیدند بر ضد ابتدائی ترین حقو ق آزادی های مردم عمل کرده و با لای توده های وسیع‌زحمتکشان دردهات وشهر ها ستم ومصائب غم ا نکیز ی را تحمیل میکنند.»

چطور شعار همزیستی مسا لمت آمیز را بین‌ستمکران(ملاك بیروکرات وتاجر بیر وکرات) وستمکشا ن (رنجبران ـ نیمه رنجبران ودهقانان) که از ریشه دارای تضاد های‌آشتی ناپذیر اند جنبه مطلقیت مید هند. ودر حالیکه امپریالیسم بکلی از بین نرفته چطور میتوانند صلح را بیـن امپریالیسم که خود آتش جنك رادر همه جا دامن می زند وبین مللی کـه برای حفظ نوا میس ملی و آ ز ا دی دیمو کراتیك از خو د دفاع میکننـد جنبهٔ واقعیت بدهند، زیرا خـود نکران هستند ومیگویند : امپریالسم بواسطه توسعه روز افزون د ا منهٔ (جنگ کثیف) خود در بخش جنوبی ویتنام وذریعه تشویق وکمك برشد روز افزون نیروهای سیاه فـاشیزم ونازیزم جدید وسهیم ساختن(انتقام جویان) از ذخایر سلاحهای ذروی نگرانی های زیادی را از لحاظ صلح جهانی بوجود آورده است.»

«باقیدارد»

صاحب امتیاز و مـدیر مسئول داکـتـر ر حیم (محمو د ی)

آدرس حصه اول جاده میو نـد

حساب در پښتني تجارتي بانك (۷۲۷٤)

هر پنجشنبه نشر میشود

قیمت هر شماره در سرا سر افغانستان دوافغانی

حق‌الاشتراك

مرکز	۱۰۰ افغانی
ولایات	۱۱۰ »
خارج	۱۰ دالر